

فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی (سال اول، شماره سوم، تابستان 1389، صفحات 109 تا 121)

اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و آثار آن بر نظامی شدن آن

مرتضی شجاع**

تاریخ پذیرش: 1389/6/29

دکتر فاطمه سلیمانی*

تاریخ دریافت: 1389/2/20

چکیده:

با وجود این که تقریباً دو دهه از فروپاشی شوروی سابق و ظهور چهار کشور جانشین در ساحل دریای خزر می‌گذرد؛ اما همسایگان نتوانستند در مورد رژیم حقوقی دریا هم داستان شوند. پیشنهادات مطرح شده طیف متنوعی از مشاع تا تقسیم دریا را شامل می‌شود. چنین اختلافاتی که البته برآمده از ذخایر انرژی فسیلی فراساحل خزر است تنش‌هایی را پدید آورده است. تحت تأثیر این متغیر، کشورهای ساحلی تلاش کردند تا توانایی‌های خود را برای حفاظت از منافع خود خوانده بالا ببرند. در نتیجه ساختار نظامی این کشورها که در حد یک گارد ساحلی بود به نیروی دریایی توسعه یافت. توسعه بنادر نظامی، افزایش توجه به علوم دریایی در مختصات نظامی، افزایش کمی و کیفی شناورهای دریایی، به خدمت‌گیری هواپیما، هلی‌کوپتر و... از جمله اقدامات کشورهای ساحلی بوده است. به نظر می‌رسد شکل‌گیری رژیم حقوقی دریا در تقلیل سرعت چنین روندی تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: دریای خزر، نیروی دریایی، ژئوپلیتیک انرژی، رژیم مشاع، رژیم تقسیم.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

** دانش‌آموخته کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

مقدمه

طی دهه اول قرن بیست و یکم کشورهای حوزه خزر اقدام به توسعه سریع توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی خود کردند. صرف نظر از روسیه، بضاعتهای نظامی کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و ایران به اندازه یک گارد ساحلی بود؛ اما در طی دهه اخیر تلاش برای توسعه چنین توانی تا حد یک نیروی دریایی به شکل دامنه‌داری ادامه پیدا کرد. این طور به نظر می‌رسد که دریای خزر در آینده به خلیج فارس دیگری بدل شود. نظامی شدن خزر علل مختلفی دارد. علی‌چون تحریک کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به توسعه قدرت دریایی، توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا و ترکیه، مانور دریای روسیه در سال 2002 که موجب ترس همسایگان شد و... اما در این میان می‌توان به وضوح نقش اختلاف بر سر نحوه توزیع منابع دریا را نیز به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده مورد شناسایی قرار داد. اختلاف بر سر نحوه توزیع منابع دریای خزر، در ارائه پیشنهادات گوناگون در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر مشهود است. هر یک از کشورهای ساحلی در تلاش است تا رژیم حقوقی دریای خزر به گونه‌ای شکل گیرد که بیشترین عایدات را از منابع دریا خصوصاً منابع هیدروکربنی نصیب آنها کند، از این رو تداوم اختلاف بر سر حوزه‌های نفتی دور از انتظار نبود. همین عامل در توسعه توان نظامی کشورهای ساحلی نقش بارزی داشته است؛ زیرا کشورهای حوزه خزر چنین اقدامی را برای حفاظت از منابع مورد ادعا ضروری یافته‌اند. این پژوهش بر آن است تا نقش دریای خزر را در نقشه ژئوپلیتیک انرژی دریابد، همچنین پیشنهادات مختلف ارائه شده در خصوص رژیم حقوقی را که متأثر از منابع انرژی فراساحل دریاست بررسی کند و در نهایت نقش آن را در نظامی شدن این دریا مورد کنکاش قرار خواهد داد.

خزر در ژئوپلیتیک انرژی:

دریای خزر 1204 کیلومتر طول دارد و بین 220 تا 550 کیلومتر پهنا و 6500 کیلومتر خط ساحلی است که از این مقدار 657 کیلومتر سواحل ایران، 820 کیلومتر سواحل آذربایجان، 1476 کیلومتر سواحل روسیه، 1647 کیلومتر سواحل ترکمنستان و 1900 کیلومتر سواحل قزاقستان است. شیب این دریا به سمت ایران (از شمال به جنوب) است، به طوری که عمق آن در شمال بین 10 تا 12 متر، در وسط دریا 770 متر و در عمیق‌ترین نقطه جنوبی 1000 متر است (ن.ک: wikipedia, 2010).

آن چه این دریا را در کانون توجهات بین‌المللی قرار داده جایگاه آن در ژئوپلیتیک انرژی است که البته با اهمیت ژئواستراتژیک آن ممزوج شده است. در نقشه ژئوپلیتیک انرژی، دریای خزر جایگاه ویژه‌ای دارد. در این نقشه دو انبار بزرگ انرژی و چندین انبار کوچک قابل شناسایی هستند که البته همگی ارزش استراتژیک خاص خود را دارند. این دو انبار بزرگ که از آن‌ها به عنوان دو قطب انرژی دنیا یاد می‌شود خلیج فارس و سبیری و انبارهای کوچک دریای شمال، خلیج گینه، شمال آفریقا، دریای مکزیک و دریای خزر هستند. خلیج فارس با 65 درصد منابع نفت و 40 درصد منابع گاز

طبیعی جهان بزرگترین حوزه انرژی دنیا است. بعد از آن سیبری غربی و اورال با برخورداری از 38 درصد گاز، 6 درصد نفت و 28 درصد ذغال سنگ جهان پس از خلیج فارس، دومین کانون مهم بین المللی انرژی را تشکیل می‌دهد (واعظی، 1386 صص 11-12).

در مورد ذخایر نفتی دریای خزر آمار متعددی ارائه شده است، با این حال بر اساس برآوردهای قابل اتکاء "ذخایر اثبات شده نفت خزر بین 16 تا 32/5 میلیارد بشکه (2 تا 4 میلیون تن) و ذخایر گاز طبیعی آن 236 تا 337 تریلیون فوت مکعب (4/5 تا 7 تریلیون متر مکعب) برآورد شده است؛ البته این احتمال وجود دارد که حدود 163 تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی دیگر نیز وجود داشته باشد (واعظی، 1386 صص 25).

اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)¹ نیز ذخایر نفت اثبات شده در منطقه را بین 17 تا 49 میلیارد بشکه برآورد کرده است. در سال 2005 حوزه دریای خزر 1/9 میلیون بشکه در روز تولید داشته (2 درصد کل تولید جهانی) که در سال 2006 به 2/3 میلیون بشکه در روز رسید. پیش بینی ها حاکی از آن است که تولید نفت خزر در سال 2010 به 2/9 تا 3/8 میلیون بشکه در روز برسد (واعظی، 1386، صص 62-25) اداره اطلاعات مرکزی آمریکا، (2007)؛ اما در یکی از بررسی ها که ظاهراً به واقعیت نزدیکتر است ذخایر انرژی خزر 2 تا 6 درصد ذخایر نفت و 6 تا 10 درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در خود جای داده و به لحاظ رتبه بندی در ذخایر انرژی فراساحل بعد از دریای شمال در مقام دوم قرار گرفته است (Roballand, 2007, p. 133-146).

کشورهای قزاقستان و آذربایجان بیشترین سهم را از ذخایر دریا برده اند، به طوری که مهمترین پروژه های نفتی خزر در شش حوزه کشگان²، تنگیز³، کاراچاگاناک⁴، آذری، چراغ، گونشلی⁵، شاه-دنیز⁶ و بلوک سورنی⁷ قرار دارد که عمدتاً در دو کشور یاد شده قرار دارند (الیکر، 1382 صص 176).

ذخایر انرژی دریای خزر برای مصرف کنندگان جذابیت خاصی دارد، مخصوصاً با مبهم بودن وضعیت امنیتی در خلیج فارس که مهمترین تأمین کننده انرژی است، و هم چنین استفاده سیاسی روسیه از گاز طبیعی، کشورهای مصرف کننده بی چون آمریکا، چین و اروپا با طرح مفهوم جدید امنیت انرژی - مبتنی بر دسترسی مطمئن به انرژی و مقابله با نوسانات عرضه- به دنبال بهره برداری از منابع سایر نقاط و از جمله خزر هستند (باریسکی، 1376 صص 7).

به علاوه اتمام ذخایر نفتی خارج از منطقه خلیج فارس در آینده ای نزدیک و نیز رشد اقتصادی عمده اقتصاد کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا که خواه نا خواه تقاضای انرژی را بالا می برد، آن ها را برای دست یابی به منابع خزر مصمم کرده است. طبق برآوردهای به عمل آمده، منابع هیدروکربنی (نفت و گاز طبیعی) دست کم تا افق 2030 همچنان ستون اصلی مصرف

1- Energy Information Agency

2- Kashagan

3- Tengiz

4- Karachaganak

5- Azeri- CHirak-Gunshli

6- Shah – Deniz

7- Severny Blok

جهانی انرژی را تشکیل خواهد داد. در این میان طی دو دهه آینده، مصرف جهانی نفت 50 درصد رشد یافته و از 85 میلیون بشکه در روز در شرایط کنونی به 118 میلیون بشکه در روز در سال 2025 خواهد رسید. با این حال سهم آن از کل منابع انرژی از 38 درصد به 34 درصد تنزل خواهد کرد. اما سهم گاز از 34 درصد به 38 درصد افزایش خواهد یافت (واعظی، 1386، ص 20).

به عبارت دیگر اگرچه سهم نفت افزایش خواهد یافت اما میزان آن از میانگین افزایش تقاضا کمتر است. از رویکرد مقامات آمریکایی که توجه ویژه‌ای به نفت خزر دارند، "کل دریای خزر به مثابه یک حوزه پر از نفت و گاز است که از جمهوری آذربایجان شروع شده و تا ساحل مقابل آن در قزاقستان و ترکمنستان امتداد پیدا می‌کند. این ذخایر برای آن‌ها به خاطر پایان یافتن ذخایر آلاسکا و دریای شمال تا سال 2015 اهمیت زیادی دارد (اروانیتوپولوس، 1377، ص 138).

جودت بهجت استاد دانشگاه ایندیانا در پنسیلوانیا معتقد است که از دیدگاه آمریکاییان منابع خزر به عنوان "ذخیره احتیاطی بالقوه" به جای خلیج فارس تلقی می‌شود (جودت، 1379، ص 17). اما از سوی دیگر کشورهای به جا مانده از شوروی سابق در اطراف خزر نیز برای بهره برداری از این منابع عجله داشته‌اند. این کشورها از لحاظ اقتصادی با وضعیت بغرنجی روبه‌رو هستند و نیاز به منابع درآمدی و ارزی آن‌ها را ناگزیر می‌سازد تا برای بهره‌گیری از منابع خزر منتظر شکل‌گیری زمینه‌های لازم، با تأکید بر رژیم حقوقی دریا نباشند. در این میان نقش آذربایجان از سایرین برجسته‌تر بوده است. تحت تأثیر همین عوامل بوده که سیاست قدرت در خزر بعد از فروپاشی شوروی فعال شده، به طوری که در حال حاضر یک منطقه پرتحرک ژئوپلیتیک به حساب می‌آید.

اختلاف بر سر حوزه‌های نفت و گاز دریای خزر

بهره برداری از منابع دریای خزر تنها زمانی امکان‌پذیر است که مرزها و سرحدات در خشکی و دریا مشخص شود. با این همه برخی از کشورها منتظر توافق‌نهایی در خصوص رژیم حقوقی نماندند و بهره‌برداری از منابع آن را آغاز کردند. این در حالی است که هر یک از کشورها، الگوی خاص خود را از رژیم حقوقی مطرح می‌کرد و از این رو خود را مالک برخی از حوزه‌های انرژی معرفی می‌نمود. در چنین شرایطی حوزه‌های نفتی وجود داشتند که دو کشور ساحلی در مورد آن‌ها ادعای مالکیت می‌کردند. اختلاف بر سر منابع انرژی در چنین بستری ایجاد شد. بیشترین اختلاف‌ها میان ایران و آذربایجان، ترکمنستان و آذربایجان و ترکمنستان و ایران بروز کرد. البته روس‌ها نیز اختلافاتی با قزاقستان و آذربایجان داشتند که در پی توافقات جدید حل شد.

ایران و آذربایجان بر سر سه حوزه نفتی البرز (که آذربایجانی‌ها آنرا آلوو¹ می‌خوانند) شرق و آراز با هم اختلاف دارند. ترکمنستان و آذربایجان نیز بر سر حوزه نفتی کاپاز که ترکمن‌ها به آن سردار می‌گویند اختلاف دارند. (ضیائی پور، 1384).

1- Alov

اگرچه بارها نشست سران در نظر داشت تا با تعیین رژیم حقوقی چنین اختلافاتی را به پایان برساند اما ظاهراً همین منابع انرژی منابع از توافق نهایی در مورد رژیم حقوقی دریا شده است (نقشه شماره 1 حوزه های مورد اختلاف را نشان می دهد).

در ژوئن سال 2000 کشتی های شرکت نفتی بریتیش پترولیوم که برای عملیات اکتشافی در حوزه البرز به آن جا فرستاده شدند با تهدید هواپیماهای جنگی ایرانی مجبور به ترک منطقه شدند (Laruelle & Peyrouse, 2009 p.21).

این حوزه در فاصله 50 کیلومتری سواحل ایران قرار داد. متعاقباً نیروی دریایی آذربایجان نیز دست به عملیات گشت زنی در منطقه زد، البته این حادثه آذربایجان را به کمک گرفتن از کشورهای فرامنطقه ای مثل آمریکا و ترکیه تحریک کرد. ناگفته نماند که این اقدام باکو در شرایطی انجام شد که این کشور خود را در محاصره استراتژیک روسیه، ایران و ارمنستان (با ملاحظه به بحران ناگورنو-قره باغ) می دید، بر این اساس کمک از غرب برای ایجاد موازنه در برابر فشارهایی که از اطراف به آذربایجان می آمد امری ضروری تلقی می شد. از دیدگاه تهران هرگونه اقدامات اکتشافی و استخراجی در خزر تا توافق نهایی بر سر رژیم حقوقی دریا عملی غیر قانونی تلقی می شود؛ بنابراین با چنین اقداماتی به حد بضاعت مقابله کرد. این مورد برای باکو پذیرفتنی نبود و از این رو آن را برای حفاظت نظامی از منابع خود خوانده تحریک کرد. از دیدگاه ایران اگر رژیم دریا مشاع باشد (مطابق آن چه در قراردادهای 1921 و 1940 میان ایران و شوروی) باکو نمی تواند به صورت انفرادی از این منابع بهره برداری کند و اگر الگوی رژیم حقوقی مبتنی بر تقسیم دریا باشد آن گاه سهم ایران 20 درصد بوده و این حوزه ها در حیطه حاکمیت و مالکیت ایران قرار می گیرد. این مورد بعدها از سوی خاتمی رئیس جمهور وقت ایران و مهدی صفری، نماینده ایران در امور دریای خزر، به صراحت مطرح شد (Aghai Diba, 2004).

اگرچه شرکت نفت دولتی آذربایجان (SOCAR) و بریتیش پترولیوم در حال حاضر در حال اکتشاف از حوزه های نفتی یاد شده است، اما تهران همچنان بر مواضع خود تأکید دارد. اختلاف آذربایجان و ترکمنستان بر سر حوزه نفتی کاپاز، آذری و چراغ است که در ترکمنستان به ترتیب سردار، خزر و عثمان خوانده می شود. با وجود تلاش های صورت گرفته و چانه زنی های مختلف میان مقامات طرفین این مورد همچنان لاینحل مانده است (دوئیچ وله، 1388).

در ادامه این وضعیت، وقتی در آوریل سال 2002 سران کشورهای ساحلی در عشق آباد جمع شدند تا در مورد رژیم حقوقی دریا به توافق برسند، اختلافات دو طرف به قدری بالا گرفت که صفر مراد نیازف، رئیس جمهور وقت ترکمنستان از احتمال جنگ بر سر میادین نفتی مورد اختلاف با باکو خبر داد. از همان دوران بود که دو کشور برای افزایش قابلیت های نظامی خود در خزر اقداماتی در نظر گرفتند. در ادامه، با تشدید اختلافات، در سال 2003 دو کشور سفرای خود را بیرون کشیدند و برای پیشبرد ادعاها و سیاست های خود در صدد تقویت نیروی نظامی برآمدند. حتی مرگ نیازف و

بهبود روابط با زمامداری قربانعلی بردی محمد اف، اختلاف بر سر حوزه های یاد شده هم چنان باقی مانده است (دوئیچ وله، 1388). عشق آباد در کنار اقدامات سیاسی، اقدامات حقوقی را نیز مطرح نظر قرار داده است، به طوری که برای رسیدن به حقوق مورد ادعای خود موضوع میادین مورد اختلاف را به نهادهای حقوقی بین‌المللی ارجاع داده است. ترکمنستان باکو را متهم می‌کند که در حوزه های نفتی عثمان و خزر که در آذربایجان آذری و چراغ خوانده می‌شوند دست برده است و در سال 1998 نیز حوزه آلو را که در آذربایجان شرق خوانده می‌شود مورد بهره برداری غیر قانونی قرار داده است (Laruelle&Peyrouse, 2009,p.21-22).

حتی در سال 2005 بردی محمداف در مورد بهره برداری از میادین نفتی به همتای آذربایجانی خود هشدار داد و از وی خواست تا مشخص شدن رژیم حقوقی دریا از این عمل امتناع کند. اختلافات ایران و ترکمنستان در خزر نیز بر روابط دو طرف تأثیر نامطلوبی گذارده بود. حتی در سال 2003 برای تقسیم منابع توافقاتی حاصل آمد که با گرایش عشق آباد به روس ها این اقدامات ناتمام ماند (Laruelle&Peyrouse, 2009p.17).

همان طور که گفته شد میان روسیه و قزاقستان نیز اختلافاتی وجود داشت که با امضای قراردادی مبنی بر تقسیم منابع در خطوط مرزی برطرف شد. به علت وجود همین ذخایر انرژی بوده که شکل گیری رژیم حقوقی دریای خزر از سال 1992 تا کنون متحقق نشده است. در واقع رژیم حقوقی این دریا سهم هر یک از کشورها را در استفاده از منابع دریا مشخص می‌کند، از این رو حصول توافق نهایی کار آسانی نخواهد بود. برای شکل دهی رژیم حقوقی دریای خزر بارها سران دور هم جمع شدند. از جمله آن ها نشست آوریل 2002 در عشق آباد و نشست سال 2008 در تهران بود. در نشست تهران در مورد میزان ظرفیتهای نظامی کشورهای همسایه توافقاتی به دست آمد. مبنی بر این که ادوات نظامی کشورهای ساحلی از 1000 تن فراتر نرود (Laruelle&Peyrouse, 2009p.2) که البته با بررسی برنامه های نظامی کشورهای ساحلی می‌توان پی برد که این توافق رعایت نخواهد شد. از سوی کشورهای غربی برای حل و فصل اختلافات ترکمنستان و آذربایجان در مورد حوزه های نفتی خزر شد. آمریکا و ترکیه با توجه به سیاست های کلان خود در مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز جنوبی نیازمند همکاری دو کشور یاد شده هستند. از جمله ترکیه برای بیشینه سازی و تثبیت جایگاه خود در ژئوپلیتیک انرژی به عنوان شاهراه انرژی از خزر و خلیج فارس به اروپا و تثبیت خطوطی نظیر نابوکو و باکو-تفلیس-جیهان که در واقع نسخه های رقیب خطوط انرژی روسیه و ایران هستند، نیازمند همکاری عشق آباد و باکو است، بنابر این سعی می‌کنند تا دو طرف اختلافات خود را کنار بگذارند. از سوی دیگر واشنگتن در چارچوب استراتژی خود در مناطق مذکور همچون سیاست دربرگیری روسیه و ایران، انتقال انرژی از خزر به بازارهای جهانی از طرق محور شرق-غرب، دور کردن کشورهای منطقه از ایران و روسیه و از همه مهمتر اتصال محور ژئوپلیتیک آسیای مرکزی به قفقاز جنوبی، ایجاد روابط حسنه عشق آباد و باکو را ضروری یافته است. به لحاظ

ژئواکونومیک، آمریکا تلاش می کند تا توجه قزاقستان و ترکمنستان را به خط لوله باکو- تفلیس- جیهان و نابوکو جلب کند تا بتوانند در مقابل خطوط رقیب در روسیه و ایران مقابله نمایند. زیرا اگر دو کشور به این خطوط نپیوندند این مسیرها اقتصادی نخواهند بود. در این چارچوب آن ها به طرفین پیشنهاد دادند که مالکیت 50 درصدی هر کدام از سوی دیگری به رسمیت شناخته شود. اگرچه هنوز این پیشنهاد مورد توافق واقع نشد، اما پیش بینی ها حاکی از این است که در مورد آن توافق خواهد شد (دوئیچ وله، 1388).

در چارچوب همین تلاش ها بود که دو کشور آذربایجان و قزاقستان همکاری های خود را در مورد انرژی آغاز کردند. اخیراً دو کشور در مورد توسعه زیرساخت های انرژی و اتصال شبکه برق از زیر دریا، اتصال ترکمنستان به خط لوله باکو تفلیس جیهان مذاکراتی داشته اند ، اما حصول توافقات نهایی به مشخص شدن رژیم حقوقی مشروط شد (نفت تایمز، 1388).

با این همه کشورهای حاشیة خزر منتظر حل و فصل مسئله رژیم حقوقی نماندند و در مناطقی که مورد ادعای آنها بود اقدام به عملیات اکتشاف و استخراج نفت کردند . همان طور که گفته شد چندی است که شرکت سوکار با مشارکت بریتیش پترولیوم بهره برداری از منابع نفتی حوزه البرز را آغاز کرده است، این درحالیست که اعتراضات ایران و ترکمنستان همچنان به قوت خود باقی است. حتی قزاقستان و روسیه نیز در حوزه های نفتی فراساحل در جوار خشکی های خود اقدام به عملیات اکتشاف و استخراج نفت نمودند (واعظی، 1386).

به دنبال اقدامات آذربایجان و قزاقستان در بی توجهی به توافقات و اقدامات یک جانبه در بهره برداری از دریا، ایران در دسامبر 1998 شرکت اکتشاف و تولید خزر را زیر پوشش شرکت ملی نفت تأسیس کرد. این شرکت قرارداد مهمی را برای مطالعه 1000 کیلومتر مربع از آبهای اکتشاف نشده حوزه داخلی در خزر با شرکت های انگلیسی شل و لاسمو امضاء کرد. بنا به گفته وزارت انرژی آمریکا ایران توانسته است 40 حوزه نفتی را که جمعاً 3 میلیون بشکه نفت در خود جای داده اند، شناسایی کند. کشورهای ساحلی به خوبی می دانند که سهم آن ها از ذخایر دریا در چارچوب رژیم حقوقی آن قابل شناسایی است ؛ از این رو هر یک از آنها الگویی را پیشنهاد داده است که بیشترین فایده را برای آنها به همراه داشته باشد. در این راستا میان کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی اجماعی شکل نگرفته است.

رویکردهای متفاوت برای رژیم حقوقی دریای خزر

با فروپاشی شوروی و ظهور چهار حاکمیت جدید به جای آن در حوزه خزر، قراردادهای 1921 و 1940 که بین ایران و شوروی سابق بود و شکل دهنده رژیم حقوقی این دریا ، مورد پذیرش کشورهای تازه تأسیس قرار نگرفت؛ اگرچه طرفین به توافق رسیده بودند که تا شکل گیری رژیم حقوقی جدید قراردادهای 1921 و 1940 به قوت خود باقی باشد. اگرچه تقریباً دو دهه از فروپاشی شوروی می گذرد اما 5 کشور هنوز نتوانسته اند در مورد رژیم حقوقی جایگزین به توافق برسند .

در مورد رژیم حقوقی دریای خزر چند نکته وجود دارد که عبارت است از:
این دریا یک دریای بسته است و لذا شامل معاهده حقوق دریاها نمی‌شود. بر این اساس رژیم حقوقی دریا باید بر اساس توافق کشورهای ساحلی تعیین شود (See: Aghai Diba, 1994).

1- کشورهای ساحلی نیز عموماً دو نگرش تقسیم دریا و مشاع را مطرح می‌کنند. روس‌ها تا سال 1996 از نظریه رژیم حقوقی مشاع پیروی می‌کردند؛ اما در پی اکتشافات جدید منابع انرژی در حریم آب‌های نزدیک به روسیه، موضع این کشور تغییر کرد و فرمولی ارائه داد که بر اساس آن بستر دریا بین کشورها بر اساس خط منصف تقسیم می‌شد، اما سطح و زیر سطح دریا مشاع می‌ماند. با این فرمول (که به آن فرمول MML نیز می‌گویند) روس‌ها صاحب بیست درصد بستر دریا می‌شوند و به علاوه با توجه به این که امکانات دریایی آن‌ها بیش از سایر کشورهای همسایه است زمینه برای بهره‌برداری از عمده منابع سطح و زیر سطح دریا فراهم می‌شود. ایران به نظریه مشاع بودن دریا بر اساس همان رویکردی که در قراردادهای 1921 و 1940 مطرح شده معتقد است. با این حال بارها اعلان نموده که اگر قرار بر تقسیم دریا باشد سطح، زیر سطح و بستر دریا باید تقسیم شود و البته سهم ایران 20 درصد است (Aghai Diba, 1994).

رژیم حقوقی ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان تا حدود زیادی شبیه یکدیگر است. عشق‌آباد اساساً معتقد به تقسیم دریا است. آذربایجان نیز از همان ابتدا به تقسیم دریا به بخش‌های ملی تأکید داشته است، تا جایی که منتظر توافق با سایر کشورها نماند و برای بهره‌گیری از منابع مورد ادعا که برخی از آن‌ها حتی بیش از 100 کیلومتر از سواحل آن فاصله داشت با شرکتهای خارجی قرارداد امضاء کرد. قزاقستان نیز تلاش کرد تا رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس معاهده حقوق دریاها (که به موجب آن باید آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مشخص شود) شکل گیرد. (بیژنی، 1381 صص 146-125).

همان‌طور که گفته شد کشورهای حوزه خزر توافق کردند که تا شکل دهی رژیم حقوقی جدید، رژیم برآمده از قراردادهای 1921 و 1940 پا برجا بماند؛ اما در طی تقریباً دو دهه از فروپاشی شوروی و برگزاری چندین نشست میان سران (از جمله مهم‌ترین آن‌ها نشست سران در سال 2002 در عشق‌آباد) و نمایندگان کشورهای ساحلی، هنوز طرفین نتوانستند به توافق برسند. اخیراً روسیه اقدام به شکل دهی موافقت‌نامه دوجانبه و سه‌جانبه (با قزاقستان و آذربایجان) نموده که رژیم حقوقی را بر مبنای تقسیم دریا شکل دهد. البته ترکمنستان نیز با این روش موافق است. اگرچه این اقدام به نوعی تحت فشار قرار دادن ایران و نقض توافقات گذشته مبنی بر اجماع در مورد رژیم حقوقی است، اما اگر قرار باشد رژیم دریا بر مبنای تقسیم دریا به حوزه‌های ملی باشد آن‌گاه باید در مورد موضوعات عدیده نظیر آب‌های ساحلی، خطوط مبنای آب‌های بین‌المللی، دهانه رودخانه‌ها، خلیج‌ها، بندرگاه‌ها، جزایر و حریم آبی آن‌ها، جزر و مد آب، متون حقوقی برای مباحثات تجاری و نظامی، عبور و مرور زیر دریایی‌ها، خطوط دریایی و لگدان، خطوط دریایی و ... توافق حاصل آید که

به نظر می‌رسد با توجه به اختلافات موجود در کوتاه مدت متحقق نخواهد شد. اختلاف بر سر منابع و ذخایر دریای خزر میان کشورهای تازه تأسیس فقیر تنش‌هایی به وجود آورد. این اختلافات منجر به تطویل پروسه شکل‌دهی رژیم حقوقی دریای خزر شد. رژیم حقوقی دریای خزر سهم هر یک از کشورهای ساحلی را از منابع دریا مشخص می‌کند و از این رو دور از انتظار نیست که این مسئله در آینده نزدیک به فرجام برسد. به طور کلی تنش‌هایی که میان کشورهای ساحلی مخصوصاً آذربایجان با ایران و ترکمنستان در خصوص ذخایر فراساحل دریا ظهور کرد بر گرایش کشورهای نامبرده در شکل‌دهی نیروی دریایی تأثیر چشمگیری داشته است. با وجود اختلاف بر سر ذخایر نفتی خزر و دستیابی کشورهای منطقه به منابع ارزی ناشی از فروش ذخایر، امکان شکل‌دهی ساختارهای نظامی توسعه یافته تر مهیا شده است. به نظر می‌رسد که سرنوشت خلیج فارس برای دریای خزر نیز تکرار خواهد شد. با وجود این که کشورهای منطقه از عقب ماندگی و سطح پایین زندگی مردم رنج می‌برند؛ اما درآمدهای این کشورها به جای هزینه شدن در عمران و توسعه این کشورها در امور نظامی هزینه خواهد شد. دو تن از پژوهشگران مؤسسه فن آوری ماساچوست (MIT) آمریکا پیشتر نشان داده اند که عایدات نفتی برای کشورهای بهره‌مند از آن‌ها بیشتر از این که فایده و مزیت به همراه بیاورد مشکلات عدیده‌ای را در حوزه‌های خارجی (سرمایه‌گذاری در امور نظامی و یا ماجرا جویی نظامی) و حوزه داخلی (معضلات ناشی از ظهور دولت‌های رانتیر) به همراه خواهد آورد (Gylfason & Zoega, 2003).

امروزه اخبار متعددی در مورد فساد سیاسی رهبران کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی به گوش می‌رسد (امیر احمدیان، 1384). مضاف بر آن بهره‌مندی از دلارهای ناشی از فروش ثروتهای طبیعی در امور نظامی هزینه شده که اساساً درآمدزا نیستند.

توسعه نیروی دریای کشورهای ساحلی در خزر

توسعه قابلیت‌های نظامی کشورهای ساحلی بعد از تعمیق اختلافات در سال 2002 روند فزاینده‌ای گرفت. روس‌ها برای ساماندهی ناوگان دریایی خود مصمم شدند تا بنادر جدید نظامی را در اولیا¹، دبرنت²، و مهمتر از آن‌ها در کاسپیسک³ داقستان تجهیز نمایند. از سال 1992 تا سال 2002 روسیه شمار کشتی‌های خود را در خزر از 40 به 100 فروند رساند، بودجه 300 میلیون دلاری را برای به‌روزرسانی ادوات قدیمی در نظر گرفتند و چند ناو پیشرفته نظامی، نظیر رزمناو داقستان را تولید کرده و در خزر به اب انداختند. بهره‌گیری از هلیکوپتر، هواپیماهای جنگی و هواناو از دیگر اقدامات آن‌ها بود. اگرچه تلاش ایران برای افزایش قابلیت‌های نظامی در خزر از دهه نود آغاز شده بود؛ اما اقدامات قابل ملاحظه دهه اول قرن بیست و یکم انجام شد.

تهران در این دهه تاکنون 90 ناو جنگی را که مهمترین آن‌ها ناوهای موشک‌انداز هستند وارد خزر

1- Olia

2- Debrent

3- Kaspiis

کرد. برد موشک‌های این ناوها 120 کیلومتر است. همچنین چندین هواناو و هلیکوپتر از آب‌های جنوبی به خزر منتقل شدند. بنادر انزلی، نوشهر و ترکمن برای پهلوگیری کشتی‌های نظامی آماده شد و حتی در جهت بهبود وضعیت نیروی انسانی دانشگاه دریایی امام خمینی نوشهر نیز توسعه پیدا کرد. قزاقستان نیز عطش عمده‌ی بی‌برای توسعه‌ی قابلیت‌های نیروی دریایی از خود نشان داد تا جایی که حتی واکنش برخی مقامات روسی را برانگیخته است. این درحالیست که مسکو به توسعه‌ی قابلیت‌های نظامی قزاقستان کمک عمده‌ی بی‌کرده است. آستانه بنادر اکتائو و اتیرائو را برای کشتی‌های نظامی ایجاد کرده است.

در سال 2004 دو نوع قایق نظامی پیشرفته از اوکراین خریداری کرد و چندین ناو جنگی نیز از روسیه، آمریکا، کره جنوبی و ترکیه خریداری شد. همچنین تعداد پرسنل نیروی دریایی این کشور نیز از 3 هزار به 5 هزار نفر افزایش یافت. اگرچه آذربایجان نیز بخشی از تجهیزات شوروی سابق را در خزر به ارث برده است، اما این تجهیزات غیر نظامی و قدیمی بودند. در بنادر باکو، تا سال 2007 عمده‌ی تأسیسات دفاعی آذربایجان نگهداری شد اما در این سال تصمیم بر آن شد تا برخی از تجهیزات دفاعی در بنادری نظیر آستارا، لنکوران¹ سنگچال و سومگیت² استقرار یابند که شامل 2500 نفر نیروی انسانی، بریگاد زیردریایی که از چندین گارد مین گذاری و کشتی‌های گشت زنی و ... است تشکیل می‌شود. نقطه‌ی ضعف بزرگ نیروی دریایی آذربایجان نبود پشتیبانی هوایی است. البته باکو برای پوشش دادن به این نقطه ضعف اخیراً اقدام به خرید هواپیماهای پوما (یوروفایتر) اروپایی کرده است. با این حال بیشتر اقلام نظامی باکو از سوی آمریکا و ترکیه تأمین شده است. در میان کشورهای خزر باکو بیشترین گرایش را به قدرت‌های فرا منطقه‌ای دارد. ترکمنستان در سال 2002 تا کنون 20 فروند قایق نظامی پیشرفته را از اوکراین دریافت کرد، پایگاه راداری دریایی خود را به نام کولچوگا-ام³ که از کیف خریداری شده و 600 کیلومتر برد دارد، در سواحل خزر به کار انداخت (اقدامی که واکنش تند باکو را در پی داشت)

همچنین یک رزمناو نیز از آمریکا خریداری شد. توسعه‌ی بندر ترکمن‌باشی برای امور نظامی، تأسیس دانشکده نیروی دریایی در این بندر و ایجاد پایگاه‌ای دریایی برای وزارت دفاع و ایجاد آکادمی پلیس دریایی از دیگر اقدامات این کشور بود.⁴

1-Lenkoran

2- Sumgaite

3- Kolchuga- M

4- این اطلاعات از منابع مختلفی به دست آمده است. برای آگاهی بیشتر ن.ک: سلیمانی و شجاع: 1388؛ دوئیچ وله، 1388؛

ریاناووستی، 1388؛ Blagov, 2009, Laruelle&Peyrouse, 2009

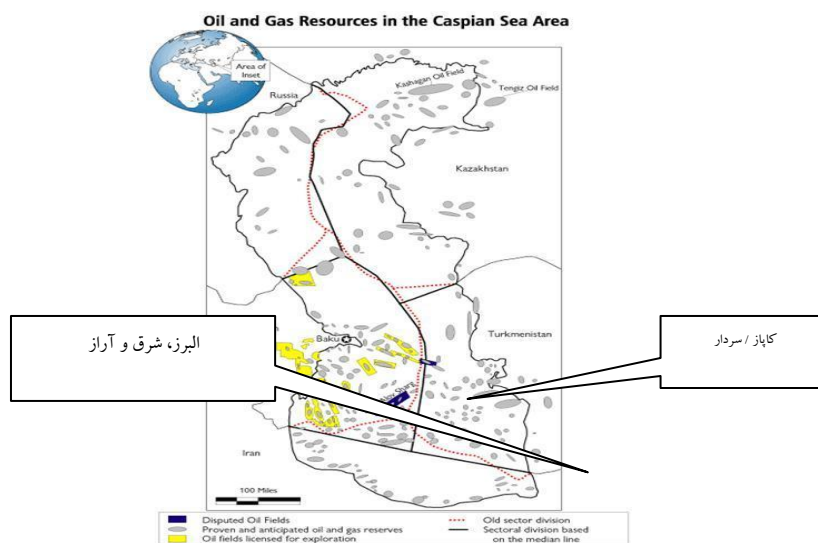
از فروپاشی شوروی تا کنون کشورهای ساحلی نتوانستند در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر به توافق برسند. اخیراً با ابتکار عمل مسکو، رژیم حقوقی دریای خزر به سمت و سوی تقسیم دریا سوق پیدا کرد. با این حال بعید به نظر می رسد که در آینده نزدیک چنین رژیمی شکل گیرد. در بررسی دلایل تأخیر در شکل گیری رژیم حقوقی، نقش منابع انرژی فراساحل کاملاً برجسته و انکار ناشدنی است. هر یک از کشورهای ساحلی تلاش دارد تا رژیم حقوقی دریا به نوعی شکل گیرد که بیشترین بهره را منابع انرژی دریا ببرد.

اختلاف بر سر تقسیم منابع انرژی، کشورهای خزر را به توسعه قابلیت های دفاعی سوق داده است، زیرا

برای صیانت از منابع خود خوانده، چنین قابلیتی ضروری است. در این میان اقدام پیش دستانه آذربایجان در بهره گیری از منابع حوزه های مورد اختلاف نقش برجسته ای در تحریک کشورهای ترکمنستان و ایران داشته است. به نظر می رسد که باکو، با توجه به پشتگرمی از حمایت های قدرت های فرامنطقه ای (آمریکا، ترکیه و ناتو) همچنان به این رفتار خود ادامه دهد.

توسعه نیروی دریایی ایران در خزر بیشتر اقدامی واکنشی بود، زیرا همان طور که از پیشینه رفتار ایران در خزر یا از پیشنهادات ایران در مورد رژیم حقوقی آن بر می آید، تهران اساساً تمایلی ندارد که این دریا صحنه برخورد همسایگان باشد. لذا گرایش آن به توسعه قدرت دریایی صرفاً اقدامی در جهت حفظ قابلیت بازدارندگی است و نه کسب برتری. در مجموع به نظر می رسد که نظامی شدن خزر ابعاد دامنه دارتری خواهد گرفت.

نقشه شماره 1: حوزه های نفتی فراساحل مورد اختلاف



منابع فارسی:

- اروانیتوپولوس، کنستانتین (1377)، ژئوپلیتیک نفت در آسیای مرکزی، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز شماره 21.
- الیکر، الگار، (1382)، گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه محمد رضا گلشن پژوه، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- امیر احمدیان، بهرام، (1382) کتاب امنیت بین‌الملل 2، گسترش اندیشه پان‌ترکیسم از سوی جمهوری آذربایجان و تهدید امنیت ملی ایران، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- باریسکی، رابرت، روسیه غرب و منافع انرژی در دریای خزر، در روزنامه سلام، 19 بهمن 1376.
- بهجت، جودت، (1379)، ژئوپلیتیک دریای خزر، ترجمه ناصر تیموری، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های 184-183.
- بیژنی، مهدی، (1381)، خزر و منافع ملی ج.ا.ایران، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دوئیچ وله، (1388)، کشورهای حوزه دریای خزر توان نظامی خود را افزایش می‌دهند، قابل دسترس در:
www.dw-world.de/dw/article/0,,3429111,00.html
- سلیمانی، فاطمه و شجاع، مرتضی. نظامی شدن دریای خزر، ارائه شده در هفتمین کنفرانس آسیای مرکزی و قفقاز؛ دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، اسفند 1388.
- ضیائی پور، حمید، (1384)، پادگان خزر، گزیده تحولات جهان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- واعظی، محمود، (1386)، انرژی اوراسیایی تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات استراتژیک، 1386.

منابع لاتین

- Aghai Diba, Bahman "Militaryization of the Caspian Sea", at:
(April 16, 2004). www.peyvand.com
- Blagov, Sergei "Russia makes waves in the Caspian", at:
http://www.atimes.com/atimes/Central_Asia/DH16Ag01.html
- Gylfason, T. and Zoega, G., (2003), Inequality and Economic Growth: Do natural Resources Matter? In: Eicher, T and Turnovsky, S (eds), Inequality and Growth: Theory and Policy Implications, Cambridge, MIT Press.
- Laruelle, Marlène. Peyrouse, Sébastie, (2009), "The Militaryization of the Caspian Sea: Great Games and Small Games over the Caspian Fleets, China and Eurasia Forum Quarterly, Vol 7, No. 2.

- Raballand, Gael. Esen, Ferhat,(2007), “Economics and politics of cross-
border oil Pipelines in the Case of the Caspian basin”, Asia Europe
Journal, Vol 5, No, pp 133-146. –
wikipedia, Caspian Sea, at: –
(2010) www.en.wikipedia.org/wiki/caspian_sea .